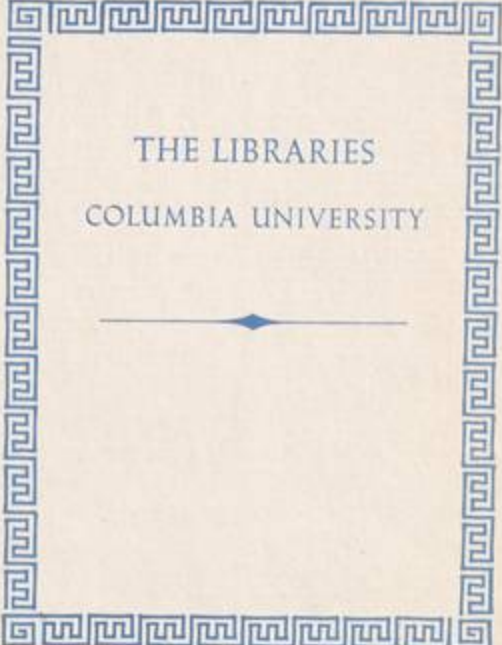

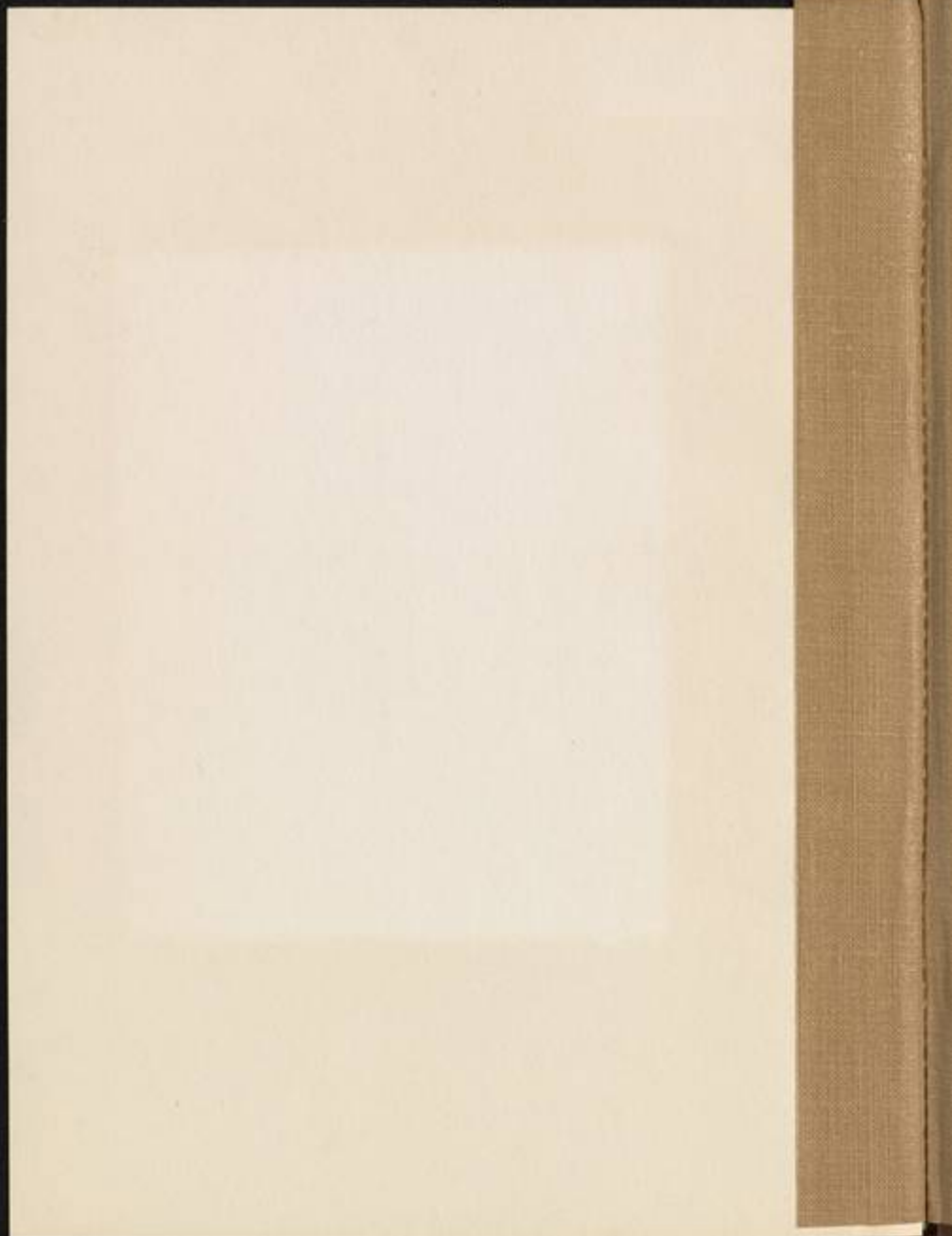


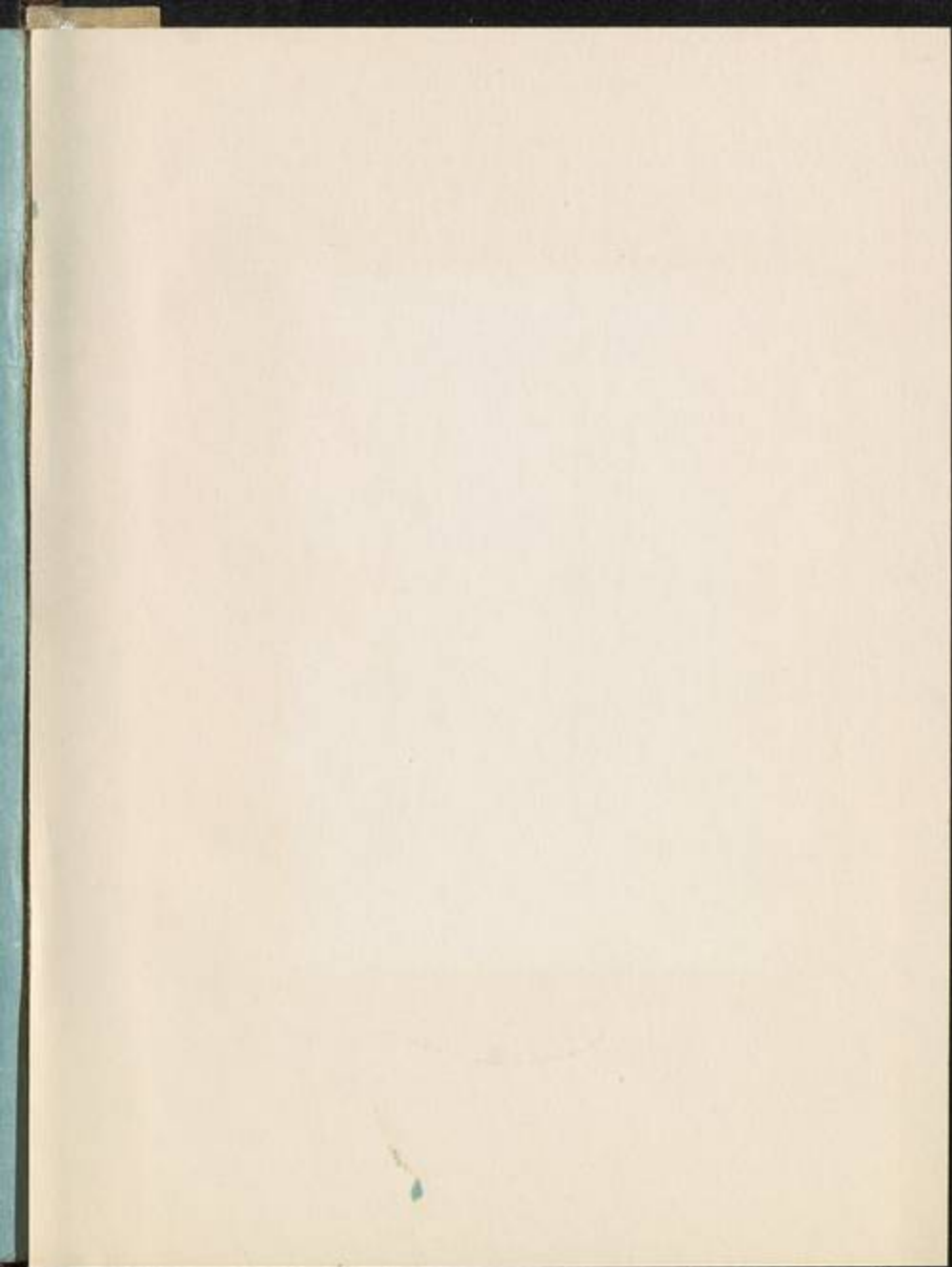
*Gaylord*  
PAMPHLET BINDER  
Syracuse, N. Y.  
Stockton, Calif.



THE LIBRARIES  
COLUMBIA UNIVERSITY







مناجات حضرت امیرؑ

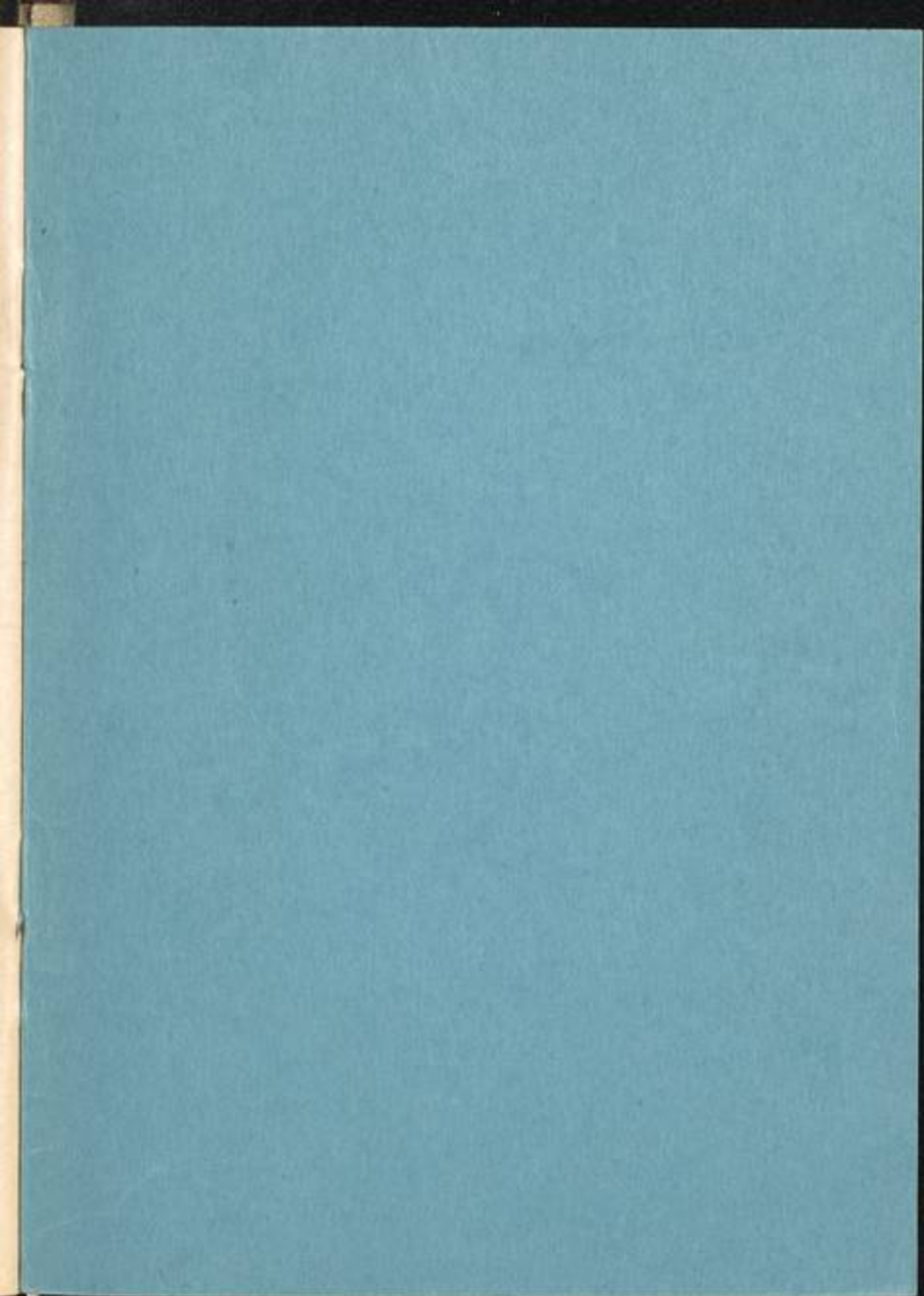
بخط جناب اشرف

قوام السلطنہ

مہر ماہ ۱۳۲۶

بہاء ۱۰ ریال

چاپ تھان





مناجات حضرت امیرؑ

بخط جناب اشرف

قوام السلطنہ

مہر ماہ ۱۳۲۶

چاپ تابان

ای جناب اشرف، آقای قوم السلطنه

ابنای علم و دانش استونی استوار

نسخه‌ای مرغوب و زیبا از مناجات علی

مانده است از کلک شکینت یکیتی یادگار

یادکاری ارجمندست آن، که نام نیک در

گر بماند به کز او ماند سراسر ای زرنگار

مسکت ابایست سود و عود ابایست نخت

گر اجازت میدی این نسخه یا به انتشار

حیب نیانی



بہارِ حجاب آرزو کیا ہے، راجہ جنت رشتہ حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیہ السلام پر فرمائی  
کلمہ نماز ۱۴۱۱ھ تا ۱۳۲۵ھ تقمیر



الهی و خلاق و حسرتی و مولی

شده ای من از بسندین و پادشاهن و بارگشتن

ایک لدی الاعمار و الیسرافع

دستی در دوشواری و آسانی گزینم

الهی لمن اعطیت نفسی سو لهما

شده ای من اگر دو حساسی من خود را بدستم

فما انما فی روض الندامه رقع

پس ایک ضم که در غم از برای سمانی میخیزم

الهی تری حالی و قسری و فاقمی

شده ای من می خالی مرا و ستر و عا بسته می مرا

وانت منا جاتی انجینه سمع

و تو را ز من سنان مرا می شنوی



الهی فلا قطع رجائے ولا تمنع

شدهای من پیش من از سب مرا و گردان قلب مرا

فوادى غلی فی سبب خودک مطمع

زیرا که من در باران شش تو طبع دارم

الهی لمن خستنی او طردستی

شدهای من که نا امید گردانی یا برانی مرا از دکان خود

فرد الذی ارجو ومن ذا الشفع

کسیست آنکه بوی امیدوار باشم بادی را در وضع است

الهی اجرنی من عداک انتی

شدهای من را بپارده مرا از عداست خود بدستی که بر من

اسیر و نیل خائف کک اخصع

ز غش بزم خوارم ز شکامم ز نور شدوی می گرم

اللہی واپسی تلتین محبتی

شہ ای من اسن و مر ایا یکہ پاموزی بر حجت مرا

اذا کان لے فی القبر مشوی موضع

در اوقت کمر اوتہ مکان بر جایتن و سخن باشد

الہمی لمن عبدنی الف حجة

شہ ای من اگر مرا عبادت کنی مندر سال

فجبل رجا بی منک لا یقطع

پس بریمان اسد من از تو برید و بری شود

الہی اذنی طعم عسوک یوم لا

شہ ای من چنان من طعم امروزش عذرا روزی کہ

بنون و لامال ہناک یضع

بشتر زندان و نہ مال مرا پس دور



الهی لمن فرطت فی طلب التمتع

شده ای من اگر غصه کردم در طلب برین کار

فما انما اثر العفو اقصوا تبع

این یک در عافیت و سیر و هم به پیروی سیر

الهی انی منک روحا و رحمة

شده ای من برسان مرا از خود اسودگی و رحمتی

فلمست سوا لیس فیضک افرغ

پس سیم کسی که سینه درهای فیض تو دردی دیگر که بوم

الهی ذیونی بدت الطود و اعملت

شده ای من گناهان من عاقل اندر کرده و برتری گرفت بی

وصفک عن ذنبی اجل و ارفع

و در که شستن و از گناه من بزد کرد و بخت تراست

الهي اذالم تص عن عيسى محسن

سند ای من قستی که حسن کنی از عیسی که عیسی که کار کرد

فمن لم يه بالهوى متبع

کس که نیست پیوسته در هر که داری اگر هوای من متبع

الهي اذالم تر عني كنت ضايعا

سند ای من چون رعایت نمی پس ضایع شد و دم

وان كنت رعائي فلست ايسع

و اگر هست رعایت نمی مرا پس ضایع بودم

الهي لمن اخطات جهلا فرما

سند ای من اگر خطا کردم من جهلست نادانی بسیار

رحوكت حتى قيل ما هو محزون

خندهم بود تا ما که گفتمند او بسند ای که گفتمند



الهی نجی ذکر طو لکت لوعتی

بشای من دور کند نیا کردن و سوارش مرا

و ذکر الخطایا العین منی مدع

دیاد آورده کن بن چشم مرا

الهی اقلنی عشقتی و امح جوبی

بشای من سوز کن نریش مرا و محو کن کشت و مرا

فانی مفر حالف متضرع

بشای من برستی که من اقرار کنند و در سناک و در آری کند و مرا

الهی لمن اقصیتنی او اقصیتنی

بشای من اگر دور کردی یا غارت زنی

فما حلیت یارب ام کیف اصنع

بشای چه چاره من ای زود کار من یا چه کنم من

الهي حليف الحق بالليل سائر

تسای من هم سوکت دو سستی شب سده ابراست

يا حاجي و يدعو و لمغسل يجمع

فریادی کند و بخواند و مغسل کرد و آید و شسته و بخونک

الهي مني رجا نبي سلاية

تسای من تیکه آید و از روی من سپاسی را

وقح خطيائي علي يشع

دورستی گناهان بر من آید و شین

وكلمم يرحو و اكلت راحيا

و از میان از روی کند و اسیر از حاجی که آید و اکل

الرحمك العظمي و في الخلد طمع

رحمت ترا که بزرگتر است و در دست جانودانی طمع می



اللهم فان تقصروا فقصوا كمنقذني

شده ای من اگر عفو کنی مرا پس عفو تو بانی دینم است

والا فبالذنب المذموم اصراع

وگر ایس بجای پاک کننده و مذموم است می هم

اللهم بحق الهاشمي وآله

شده ای من بحق پیغمبر هاشمی و اولاد او

وحرمة ابرار هم كالتخضع

و در بجز است نیکو کارانی که هر تو را فرست می کند

اللهم فان شرتني على دين احمد

شده ای من پس اگر بختی مرا از دین احمد

منساقا فاننا كالتخضع

انابت کننده و پرستگار از دین کسی کننده که در حقش



ولا تحزني يا الهي وسيدى

و حسروم کن مرا ای خدا ای من و خواجه

شعاعه الکبری فذاک اشعاع

از شعاعت بزرگتر او پس او یک شعاعست و مضمون

وصل عليه ما دعاک موحد

و درود هست بر وی ما داعی که بخواهد را بخواهد

و اما جاک اجبار با یک رنگ

و در این گویند ما تو را که زدی تو را که کند کاس

خاندان دولت  
و در این گویند ما تو را که زدی تو را که کند کاس  
و در این گویند ما تو را که زدی تو را که کند کاس

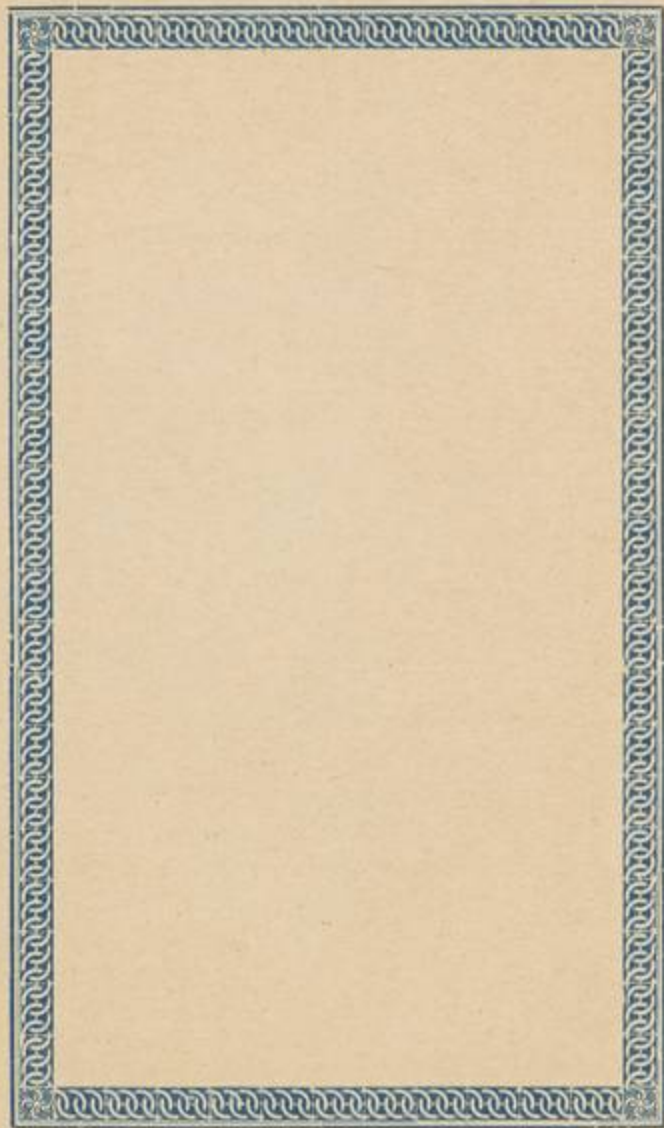


کتابخانه دولت علیه ایران

نمبره ۱۵۲۳

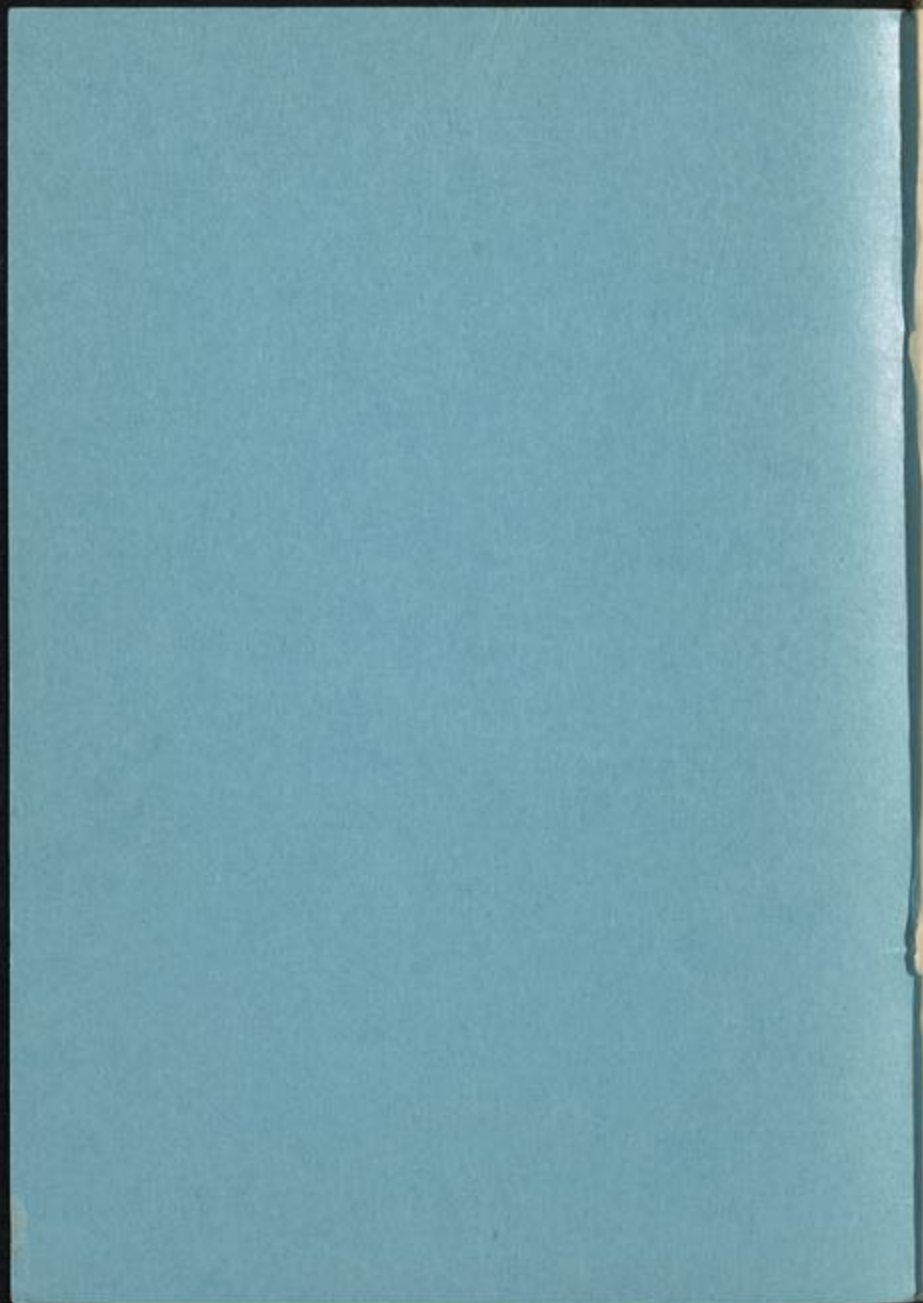
مصنف	اسم کتاب	مغ
بیجه زبان	درجه علم	
تاریخ تحریر	اسم محرر	برای محمد تقی المظفر
بیجه خط و قلم	روی کاغذ	
عدد سرلوحه	عدد صورت	
عدد اوراق ۵	جلد کتاب	
قطع کتاب	ورق مذهب	
یک نسخه در چند مجلد	من و حاشیه	
	ملاحظات	

*Handwritten signature or stamp*

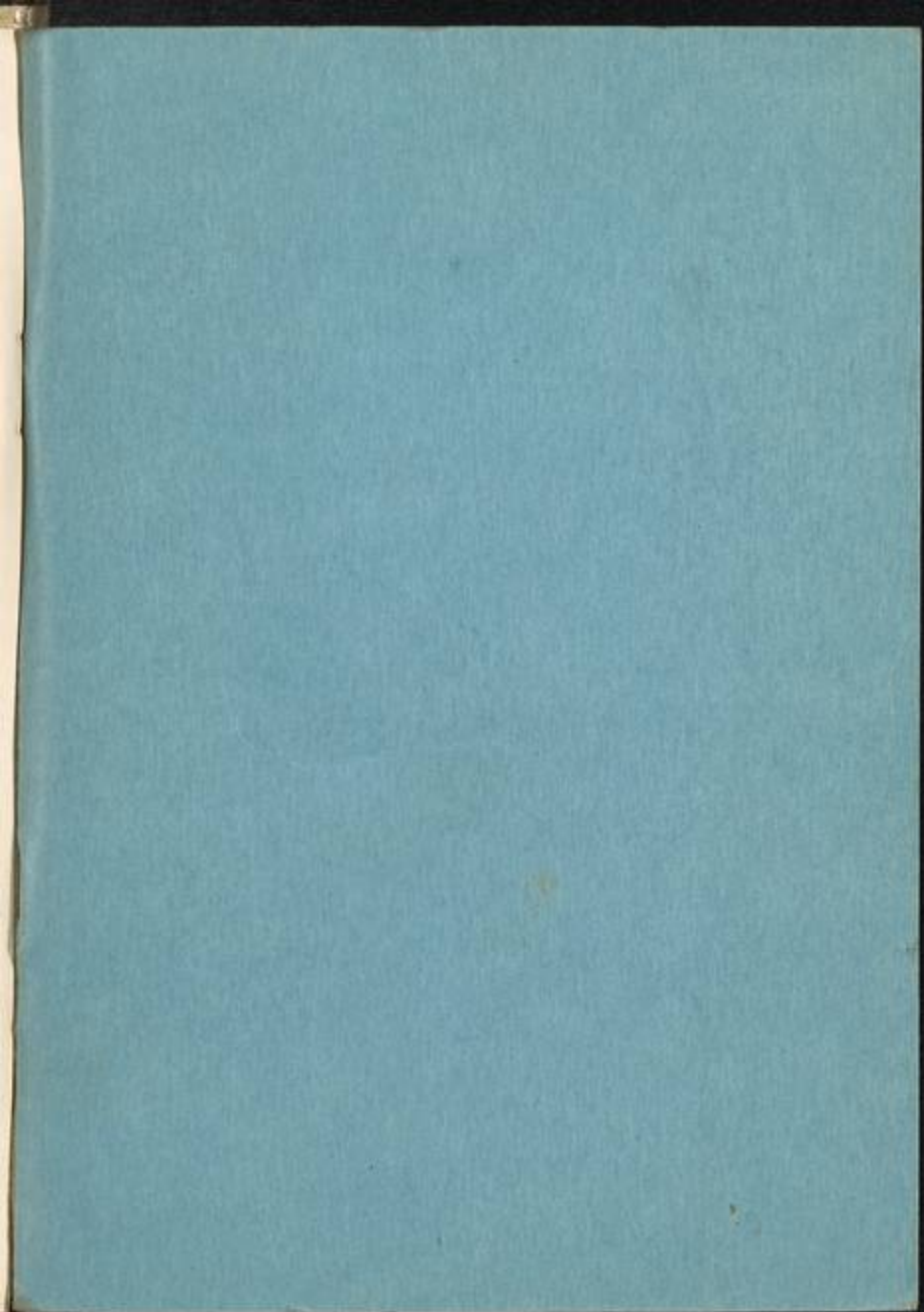


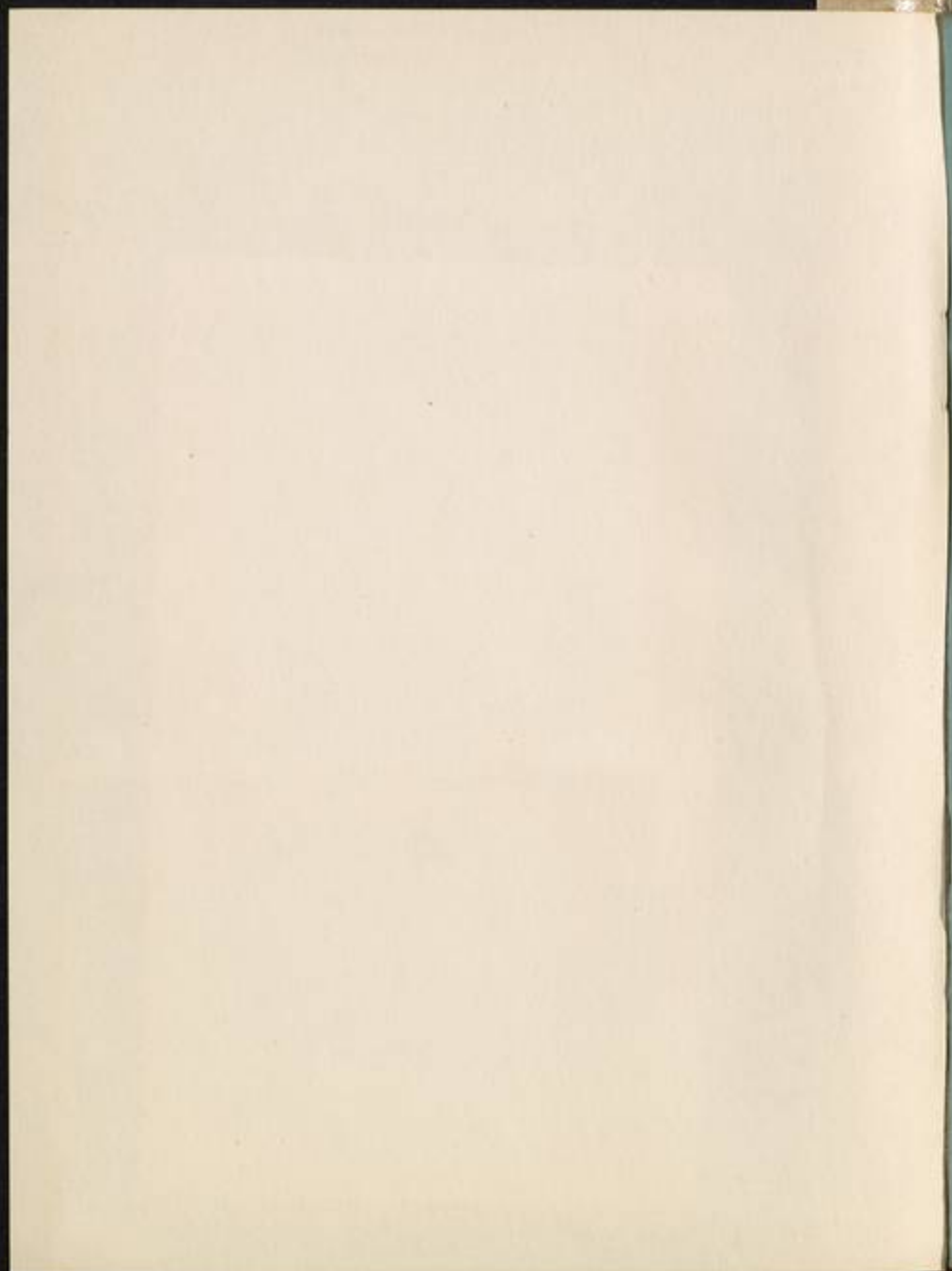












DATE DUE

SEP 28 2007

SEP 26 2007

893.7AL11  
T34

MAR 13 1964

COLUMBIA LIBRARIES OFFSITE



CU58866213

893.7AL41 T34

Munajat-i Hazrat-i A

**RECAP**

893.7AL41 - T34